



تاج کوه نور که برای مراسم تاج‌گذاری شاه جورج ششم در سال ۱۹۳۷ میلادی ساخته شد و بعدها ملکه‌های بریتانیا از آن استفاده کردند.

به بهانه طرح درخواست شهردار نیویورک درباره بازگرداندن الماس مشهور «کوه‌نور» به هندوستان

غنیمت شوم نادر؛ از مشهد تا بریتانیا



شد تا اینکه علی خان، پسر میرزا ابراهیم ظهیرالدوله (برادرزاده نادرشاه)، با حذف همه مدعیان و قتل همه فرزندان نادرشاه، به نام «عادل‌شاه، مُلک افشاری را از آن خود کرد و مدتی صاحب کوه‌نور شد، اما دولت مستعجل عادل شاه یک‌سال و چندماه دوام آورد و شاهرخ میرزای نابینا، پسر رضاقلی میرزا و نوه نادرشاه که تبارش از سوی مادر به صفویه می‌رسید، حکومت محدود خود را بر مشهد و نواحی هم‌جوار آن آغاز کرد و «کوه‌نور» را هم به پاس خدمات «احمدخان درانی»، سردار افغانی اش، به وی بخشید و به این ترتیب، کوه‌نور سر از کابل درآورد و برای مدتی در این شهر ماندگار شد. اما این «ستاره بر زمین افتاده» برای خاندان درانی هم شگون نداشت.

● الماس سر از لندن درمی‌آورد

شاه شجاع درانی، یکی از جانشینان احمدخان در سال ۱۱۸۸ خورشیدی، گرفتار رقیبان خون‌خوار شد و ناچار به پنجاب گریخت و آنجا بود که سروکارش با حاکم «سیک» مذهب این خطه، یعنی «رانجیت سینگ» افتاد. رانجیت وعده حمایت از شاه‌شجاع را داد، اما در عوض الماس کوه‌نور را از وی مطالبه کرد، چرا؟ به درستی نمی‌دانیم، اما هر چه بود، خان درانی از خیر کوه‌نور گذشت و آن را در سال ۱۱۹۲ خورشیدی به «رانجیت سینگ» داد، ولی وارثان رانجیت سینگ هم نتوانستند این الماس را نزد خود نگه دارند. در سال ۱۸۴۹ میلادی (۱۲۲۸ خورشیدی)، زمانی که استعمار انگلیس توانست به دوران حکومت سیک‌ها در پنجاب خاتمه دهد و این منطقه را به مستعمره انگلیس عهد ملکه ویکتوریا تبدیل کند، کوه‌نور هم توسط بریتانیایی‌ها ربوده شد. البته خودشان می‌گفتند که آن را مصادره کرده‌اند، به این ترتیب، الماس سر از کاخ ملکه ویکتوریا درآورد و آن قدر دلربایی کرد که به دستور ملکه، آن را در معرض نمایش عمومی قرار دادند و مردم برای دیدن آن تن به ایستادن در صف‌های طولانی دادند. به این ترتیب، کوه‌نور به بخشی از تاج ملکه یاشاه انگلیس تبدیل شد و طی ۱۷۷ سال گذشته، در لندن باقی ماند.

● ادعاهای مالکیت

ورود کوه‌نور به انگلیس، موجی از داستان‌سرایی را درباره الماس‌های هندی به راه انداخت. الماس‌های بزرگ هندی، بدون اینکه دلیل آن مشخص باشد، به نحسی شهرت داشتند و در رمان‌های عامه پسند عهد ملکه ویکتوریا، مانند «سنگ ماه» اثر «ویلیکالیکنز» ظاهر شدند، داستان‌هایی که ماجراهای هیجان‌انگیزشان حول کیسه‌ای مملو از الماس‌های تراش‌نخورده دور می‌زد که از یک مهاراجه بخت‌برگشته به دست آمده بود.

به این ترتیب، کوه‌نور در تبعیدگاه اروپایی‌اش هم به شهرتی گسترده دست یافت و با وجود شهرتی که به شوم‌بودن و نحسی داشت، طرف‌داران خودش را پیدا کرد، جالب آنکه طی دهه‌های بعد، کوه‌نور همچنان شهرت و منزلت خود را حفظ کرد و حتی در مرکز مناقشه‌های بین‌المللی هم قرار گرفت.

در سال‌های نخستین قرن ۲۱، دولت هند خواستار بازگرداندن این گوهر به سرزمینی که در آن کشف شده است، شد. هرچندکه مقام‌های هندی هم نمی‌توانند درباره تاریخ همواره مبهم کوه‌نور به نتیجه واحدی برسند، این ادعاها، ادعاهای دیگری را هم در پی داشت. بسیاری از کشورها مدعی مالکیت این الماس شده‌اند که ایران یکی از آن‌هاست. حتی دولت طالبان هم الماس را از آن افغانستان و تحت مالکیت خودش می‌داند! این تنوع ادعا، ریشه در سرگذشت عجیب و پرفرازونشیب مشهورترین الماس جهان دارد.



تاج کوه نور که ملکه مری در روز تاج‌گذاری شاه جورج پنجم در ژوئن ۱۹۱۱ بر سر گذاشت. تصویر آرشیه‌هائون، گنی ایبیمج



نقاشی لرد الدلوهزی که به دیدار مهاراجه جوان دولیب سنگ رفته تا در ازای واگذاری پنجاب، کوه‌نور را از او بگیرند. در نهایت هم کوه‌نور را گرفته و به بریتانیا می‌برند.



نقاشی مینیاتور که در آن نادرشاه و محمدشاه هند در کنار هم به تصویر کشیده شده‌اند. منبع: موزه گیمه، موزه ملی هنرهای آسیایی فرانسه



نقاشی احمد شاه ابدالی (معروف به احمدشاه درانی)، تصویر موزه لاهور ۱۷۵۵ میلادی



پرتوهای از شاه جهان، امپراتور مغول بر تخت طاووس جواهرنشان، کوه‌نور نخست بر روی این تخت قرار داشته است.

«کوه‌نور» به روایت «الیا»

پیام‌هایی از هسته زمین است.

این الماس در سال ۱۸۵۰ میلادی و طی یک مراسم رسمی در بریتانیا به ملکه ویکتوریا تقدیم شد و به مجموعه جواهرات سلطنتی بریتانیا پیوست. تراش مجدد در لندن، پس از رسیدن به بریتانیا، شاهزاده آلبرت (همسر ملکه ویکتوریا) از ظاهر الماس که به سبک هندی تراشیده شده بود و درخشش کمی داشت، ناراضی بود. او دستور داد الماس را مجدداً تراش دهند که باعث شد وزن آن از ۱۸۶ قیراط به ۱۰۵.۶ قیراط کاهش یابد تا درخشش آن مطابق با استانداردهای اروپایی شود.

یک باور قدیمی وجود دارد که می‌گوید این الماس برای مردان بدشانسی می‌آورد و فقط زنان یا خدایان می‌توانند بدون ترس از بلا، آن را بپوشند. به همین دلیل در خاندان سلطنتی بریتانیا، این الماس همیشه توسط زنان (ملکه ویکتوریا، ملکه الکساندرا، ملکه مری و ملکه الیزابت) استفاده شده است. همچنین تحقیقات علمی نشان می‌دهد کوه‌نور یک الماس معمولی نیست. این یک الماس «فوق عمیق» است که در عمق صد هکتومتر پایین‌تر از الماس‌های معمولی شکل گرفته است. این یعنی کوه‌نور نه تنها ارزش تاریخی، بلکه ارزش علمی عظیمی دارد و حاوی

نور به سال ۱۷۳۹ بازمی‌گردد؛ زمانی که «محمد کاظم مروی»، مورخ ایرانی، آن را در زمان حمله نادرشاه افشار به دهلی ثبت کرد. مروی اولین کسی بود که نام «کوه‌نور» را برای این الماس به کار برد. او با چشمان خود دید که این الماس بر فراز «تخت طاووس» (ساخته شده توسط شاه جهان) قرار داشت. داستان معروفی وجود دارد که نادرشاه با یک حیله و تعویض دستار با محمدشاه گورکانی، الماس را به دست آورد. اما مروی در نوشته‌هایش اشاره می‌کند که الماس به قدری بزرگ بود که از میان دستار محمدشاه دیده می‌شد یا اینکه بخشی از تزئینات تخت شاهی بود.

گروه تاریخ و هویت| «رینا آلهووالیا، هنرمند و طراح جواهرات است که در مقاله‌ای به بررسی تاریخیچه، افسانه‌ها و ابعاد هنری الماس مشهور «کوه‌نور» پرداخته است که در سطرهای بعدی مختصری از این مقاله آمده است

الیا می‌نویسد: الماس کوه‌نور مشهورترین الماس جهان و گوهری با جایگاه عظیم است. هیچ الماس دیگری در تاریخ نمی‌تواند ادعا کند که تا این حد مشهور، پرفرازونشیب (از نظر سفر بین سرزمین‌ها) و در عین حال بحث‌برانگیز بوده است. امروزه کوه‌نور یکی از ارزشمندترین و اسرارآمیزترین جواهرات جهان باقی مانده است. این گوهر حماسی که میلیاردها سال پیش در اعماق زمین شکل گرفته، شاهد ۷۵۰ سال تاریخ بشری بوده است و داستانی خارق‌العاده را روایت می‌کند. برخلاف باور عمومی، اولین گزارش‌های مکتوب از کوه

با خواندن این اطلاعات درباره کوه‌نور، ممکن است پرسشی مهم به ذهن خوانندگان گرامی خطور کند، آیا این الماس، با شهرت افسانه‌ای‌اش، بزرگ‌ترین الماس جهان است؟ پاسخ به این پرسش، با استناد به داده‌ها و شواهد موجود، قاطعانه منفی است. شکوه و آوازه کوه‌نور نه به خاطر ابعاد فیزیکی، بلکه به دلیل تاریخ، قدمت و سرگذشت عجیب آن است. این الماس خاص، پیش از آنکه به دست بریتانیایی‌ها بیفتد، وزنی در حدود ۱۸۶ تا ۱۹۱ قیراط (هر ۵ قیراط معادل یک گرم است) داشت. اما پس از تصاحب آن توسط کمپانی هند شرقی و تقدیمش به ملکه ویکتوریا، شاهزاده آلبرت، همسر ملکه، از درخشش کم آن در مقایسه با الماس‌های تراش‌خورده اروپایی ناراضی بود. به همین دلیل، در سال ۱۸۵۲ میلادی تصمیمی جنجالی برای تراش مجدد آن گرفته شد. این فرایند به دست یک شرکت هلندی «کاستر دایمندرز» و طی ۳۸ روز اجرایی شد. این اقدام، اگرچه درخشش الماس را افزایش داد، بیش از ۴۰ درصد از وزن آن را از بین برد و وزن نهایی‌اش را به ۱۰۵ قیراط و ۶ دهم کاهش داد. این وزن، کوه‌نور را حتی در فهرست ۱۰ الماس بزرگ تراش‌خورده جهان نیز قرار نمی‌دهد. برای درک بهتر این مقیاس، کافی است آن را با غول‌های دنیای جواهرات مقایسه کنیم. بزرگ‌ترین الماس تراش‌خورده جهان، «جشن طلایی» با وزن خیره‌کننده ۵۴۵ قیراط و ۶۷ دهم است. پس از آن، «کولینان ۱» یا «ستاره بزرگ آفریقا» با وزن ۵۳۰٫۲ قیراط قرار دارد. جالب آنکه «کولینان ۱» تنها یکی از قطعه اصلی است که از تراش بزرگ‌ترین



تصویری از الماس کولینان که بزرگ‌ترین الماس جهان است



الماس کوه‌نور در تاج ملکه مری، سال ۱۹۱۱ میلادی. تصویر: سازمان امانت مجموعه سلطنتی.

بخشی از یک الماس خام بسیار بزرگ‌تر بوده‌اند که جهانگرد و تاجر فرانسوی، ژان-باتیست تاورنیه، در قرن هفدهم در هند مشاهده کرده بود. سرگذشت این الماس، «دریای نور» هم چند کلمه‌ای بگویییم. متفاوت راپیش روی علاقه‌مندان به تاریخ می‌گذارد. کوه‌نور، با تاریخچه‌ای خونین و پرفرازونشیب، پس از دست به دست شدن میان امپراتوری‌ها، به یک غنیمت جنگی و نمادی از قدرت استعماری بدل شده است و اکنون در لندن نگهداری می‌شود و در مقابل، دریای نور همچون گنجینه‌ای آرام و باشکوه در ایران باقی مانده است تا نمادی از ثروت، تاریخ و میراث ملی ایرانیان باشد؛ گوهری که شهرتش در زیبایی، اصالت و ماندگاری آن نهفته است.

